

نویسنده: دلبیوتی وایتی ()

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ (2024-08-27)

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

**آگاهی سرمایه داران از بکاربرد استعمار؛ همبستگی
بین المللی را تشویق میکند**

**Awareness of Capitalists' Use of Colonialism
Encourages International Solidarity**



Image by L'Odysée Belle.

کارل مارکس با مطالعه سرمایه داری، انقلاب صنعتی در اروپا را بررسی کرد. او تضاد بین کارگر و کارفرما را بررسی کرد. نویسندگان *Prabhat* و *Utsa Patnaik* در کتاب خود سرمایه و امپریالیسم (منتلی ریویو چاپ، 2021) تأکید می‌کنند که پیروان مارکس معتقد بودند که با شروع سرمایه داری، «انباشت [تنها] بر اساس تولید ارزش اضافی رخ داده است.» (ارزش اضافی به معنای بخشی از بازده تجاری محصول است که نیروی کار ایجاد می‌کند و کارفرمایان آن را حفظ می‌کنند).

پا تنا ئیک ها «نام خانوادگی» به یاد می آورند که مارکسیست ها از نوع دیگری از انباشت ثروت یاد می کنند، چیزی که «فقط در ماقبل تاریخ سرمایه داری رخ داده است». با این حال، طبق برآورد نویسندگان، به اصطلاح «انباشت اولیه» در طول تاریخ سرمایه داری، همراه با ارزش اضافی رخ داده است. اصطلاح انباشت اولیه به سلب مالکیت، غارت یا دزدی اشاره دارد.

بسیاری از فعالان سیاسی ایالات متحده با جنگ ها و مداخلات برون مرزی که دولت آنها برای حفظ سلطه سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان استفاده می کند، مخالف هستند. تعداد کمی از دزدی در مناطق حاشیه ای جهان به دست سرمایه داری اطلاع دارند. آنها از امپریالیسم ایالات متحده آگاه هستند.

کالاهای دزدیده شده عبارتند از: زمین، اجساد، مواد خام، محصولات غذایی، جنگل ها، آب، منابع زیرزمینی قابل استخراج، سود گزاف بدهی، و منابع مالی به فقرای جهان برای امرار معاش. عدم پرداخت برای بازتولید اجتماعی نوعی دزدی است.

هرچه این فعالان بیشتر بدانند که سرمایه داری از آغاز خود خواستار ظلم و ستم در مناطق توسعه نیافته جهان بوده است، احتمالاً تمایل آنها به ایجاد یک جنبش همبستگی بین المللی ضد سرمایه داری بیشتر می شود. کتاب تألیف شده توسط پاتنائیک ها با مستند کردن این موضوع که استعمار و به طور ضمنی امپریالیسم برای توسعه سرمایه داری ضروری بوده اند به این هدف کمک می کند.

در توصیف تجربه استعماری هند، کتاب آنها - که به هیچ وجه در اینجا به طور کامل بررسی نشده است - توضیحی برگرفته از **مارکس** در مورد اینکه چرا سرمایه داری به استعمار نیاز دارد ارائه می دهد. این جزئیات عملکرد استعمار الهام گرفته از سرمایه داری در هند است.

پاتنائیک ها اعلام می کنند که «نه تنها سرمایه داری از نظر تاریخی همواره در یک محیط پیشا سرمایه داری قرار داشته است که از آن سربرآورد، با آن در تعامل بود، و آن را برای اهداف خود اصلاح کرد، بلکه علاوه بر این، وجود و گسترش آن مشروط به آن است. چنین تعاملی.» سرمایه داران به دنبال «تصرف مازاد توسط کلان شهرها، تحت استعمار» بودند. ("کلان شهر" به عنوان "شهر یا ایالت مبدا یک مستعمره" تعریف می شود).

آنها توضیح می دهند که "مفهوم اساسی **مارکس** از سرمایه داری [آنگونه که] در سرمایه بیان می شود، یک بخش سرمایه داری منزوی است که فقط از کارگران و سرمایه داران تشکیل شده است"، همچنین یک بخش منزوی به معنای سرمایه داری است که "برای همیشه در یک حالت ساکن یا یک وضعیت ساده گیر کرده است." تولید مثل ...

[و] با رشد صفر. " آنها اصرار دارند که «سرمایه داری بسته در کلان شهرها غیرممکن منطقی است».

" هیچ چیزی در سیستم وجود ندارد که آن را از آن حالت خارج کند. " اقتصاد «لزوماً در غیاب محرک‌های برون‌زا به آن وضعیت خواهد رسید».

پا تنایک هاسه نوع محرک برون‌زا را در نظر می‌گیرند: «بازارهای پیش از سرمایه داری، مخارج دولتی و نوآوری». اولین مورد نشان دهنده استعاری است که برای سرمایه داران ضروری است، زیرا آنها اقتصاد مراکز صنعتی اروپا را می‌سازند.

تورم نگران کننده است

نویسندگان با تشریح نحوه برخورد سرمایه داری بریتانیا با هند مستعمره، پول را به عنوان وسیله‌ای برای نگهداری و انتقال ثروت برجسته می‌کنند. هدف حفظ ارزش آن بوده است. این سیستم دارای این ویژگی‌ها بود:

- * مقامات لندن از مازاد صادرات کالاهای اولیه هند برای تامین مالی صادرات سرمایه به سایر کشورهای سرمایه داری استفاده کردند.

- * مقامات بریتانیایی از زمین تولیدکنندگان کوچک در هند مالیات می‌گرفتند و از درآمد آن برای پرداخت هزینه‌های اداری مستعمره و خرید کالا برای صادرات به بریتانیا استفاده می‌کردند. برخی از آنها دوباره به کشورهای دیگر صادر شد.

- * بریتانیا کالاهای تولیدی صادر کرد. ورود سیل آنها به هند منجر به "صنعت زدایی از اقتصاد استعاری" شد. تولیدکنندگان صنعتگر آواره به «تولیدکنندگان خرد» کالاها تبدیل شدند.

- * مقامات بریتانیایی که با "افزایش قیمت عرضه" برای کالاهای صادر شده از مستعمرات سر و کار داشتند، با "افزایش دستمزد پول یا حاشیه سود کلان شهرها" مواجه شدند. آنها به دنبال «تثبیت ارزش پول»، «کاهش تورم درآمد ... [بر هند] عرضه‌کنندگان کالاهای دستمزدی و نهاده‌های بخش سرمایه‌داری را تحمیل کردند».

- * ادعاهای تولیدکنندگان کشاورزی که مالیات سنگینی در هند دریافت می‌کردند «فشرده پذیر» بودند، به ویژه به این دلیل که «در میان ذخایر عظیم نیروی کار» قرار داشتند.

استعمار به سرمایه‌داران بریتانیایی این امکان را داد که دستمزد یا مشاغل خود را در هند کاهش دهند تا مبادلات ارزی مورد نیاز سیستم را انجام دهند و «با افزایش دستمزدهای پولی» در بریتانیا «بدون به خطر انداختن ارزش پول» موافقت کنند.

اقتصاد جهانی

این کتاب به تشریح تحولات پس از استعمار می‌پردازد. ترتیبات استعاری در سراسر قرن 19 ادامه یافت و پس از جنگ جهانی اول فروپاشید، به گفته نویسندگان، تا

حدی به دلیل یک بحران کشاورزی در سراسر جهان که در سال 1926 به اوج خود رسید. شرایط باعث رکود بزرگ شد. هزینه های جنگ جهانی دوم عمدتاً در ایالات متحده منجر به بهبودی شد. این «سال های رونق» برای سرمایه داری بود. ایالات متحده که با افزایش هزینه های نظامی مواجه شد، به تامین مالی با کسری بودجه روی آورد. کشورهای اروپای غربی سوسیال دموکراسی و دولت رفاه را در پیش گرفتند. برخی از مستعمرات سابق که اکنون کشورهای مستقلی هستند، از ابتکارات کشاورزی و صنعتی با هدف کاهش نابرابری های اقتصادی حمایت کردند.

در آن مرحله، مراکز دیگر نمی توانستند کاهش درآمد را بر کارگران حاشیه نشین تحمیل کنند تا از دست دادن ارزش پولی جلوگیری کنند. ذخایر بانکی افزایش یافت و فشار وام دهی افزایش یافت. در سال 1973 "سیستم برتون وودز به دلیل ظهور تورم فروپاشید." «دنیای سرمایه داری با واسطه پایدار نگهداری ثروت [از طریق] پیوند طلا و دلار» ضربه خورد.

بعدی، تسلط جهانی توسط سرمایه مالی جهانی و نئولیبرالیسم بود. Patnaiks توضیح می دهد که با کاهش "موانع جریان سرمایه"، "مداخله دولت در مدیریت تقاضا غیرممکن می شود." «[یک] رژیم کاهش تورم درآمد بر کارگران حاشیه» به منظور «کنترل تورم و تثبیت ارزش پول» بازگشت.

نتیجه گیری

این داستان از تداوم است. یکی از آنها سرمایه داری است که در آغاز با استعمار روبرو شد. دیگری سرمایه داری است که از استعمار برای حفظ ارزش پول در معاملات تجاری و مالی فرامرزی استفاده می کند. یکی دیگر، ظلم و التماس زحمتکشان دنیا برای جلوگیری از تورم است.

کارل مارکس ممکن است هنگام مطالعه سرمایه داری داده ها و اطلاعات دیگر در مورد استعمار کمیاب یافته باشد. علاوه بر این، زندگی تحقیقاتی و فعالیت های سیاسی او ممکن است چنان پر باشد که او را از تحقیق در مورد ارتباط استعماری منحرف کند. با این وجود، او از همبستگی بین المللی کارگری دفاع کرد.

او و انگلس از مبارزات استقلال هند حمایت کردند. مارکس از «لهستان قهرمان» که توسط روسیه تزاری محاصره شده بود، دفاع کرد. او خطاب به انگلس می نویسد: «به نظر من، مهم ترین اتفاقی که در جهان امروز رخ می دهد، از یک سو، جنبش در میان بردگان در آمریکا است که با مرگ [جان] براون آغاز شد و از سوی دیگر جنبش. از رعیت ها در روسیه."

مارکس در سال 1864 خطاب به انجمن بین المللی کارگران - اولین انترناسیونال - گزارش داد که رویدادها «به طبقات کارگر این وظیفه را آموخته اند که بر اسرار سیاست بین الملل تسلط پیدا کنند. برای تماشای اقدامات دیپلماتیک دولت های مربوطه خود.»

خرابی زندگی مردم ناشی از سرمایه داری اکنون به طور گسترده گسترش یافته است. محل برگزاری سرمایه داری، طبیعتاً جهانی است. حمایت سیاسی از کارگران و تشکیلات سیاسی آنها در جنوب جهانی به جوهر قدرت سرمایه داری ضربه می زند. وعده تغییر اساسی در این جهت نهفته است، و این در مورد جایگزین های سیستم سرمایه داری نیز صدق می کند.

آن مبارزات برای عدالت اجتماعی و برابری که به مراکز صنعتی جهان محدود می شود، جنبه های سرمایه داری را هدف قرار می دهد، اما بدون انتظارات گسترده. تلاش کامل عبارت است از: فشار برای اصلاحاتی که بار سنگینی را که بر دوش زحمتکشان گذاشته می شود، ایجاد مخالفت توده ای، و به طور اساسی - پیشبرد جنبش همبستگی بین المللی

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

.W.T. Whitney Jr. یک پزشک بازنشسته اطفال و روزنامه نگار سیاسی است که در مین زندگی می کند.

----- **با تقدیم احترامات «2024-08-27»**